فهرست

[اصول/ حجیت اطمینان 2](#_Toc90806615)

[مقدمه 2](#_Toc90806616)

[تقسیمات اطمینان 2](#_Toc90806617)

[۴- درجات احتمال اطمینانی 3](#_Toc90806618)

[۵- موضوعات مهم و غیر مهم 4](#_Toc90806619)

[۶- اطراف علم اجمالی در اطمینان 6](#_Toc90806620)

بسم الله الرحمن الرحیم

# اصول/ حجیت اطمینان

# مقدمه

بحث در حجیت اطمینان بود و برای آن ادله‌ای ذکر شد و سومین دلیل، دلیل مشهور سیره عقلاییه وعدم احراز ردع بود استدلال به این سیره متوقف بر این بود که سه چهار اشکالی که متوجه آن شده بود دفع بشود که آن‌ها را بررسی کردیم و پس از آن پرداختیم به این که با توجه به اینکه سیره عقلاییه می‌خواهد مستند حجیت اطمینان باشد دلیل لبی و غیرلفظی است در دایره شمول آن باید دقتی بشود

وجه آن هم این است که در دلیل لبی قدر متیقن اخذ می‌شود البته نه به این سادگی که هر چه تردید پیدا شد آنجا قدر متیقن می‌گیریم اما اکتفای به قدر متیقن در دلیل لبی خیلی سریان و جریان دارد از این جهت هست که باید ببینیم در تقسیماتی که در ذیل اطمینان قرار می‌گیرد می‌تواند این دلیل لبی و سیره عقلاییه شمول داشته باشد و همه اقسام را بگیرد یا اینکه مواردی تردید ایجاد می‌شود و باید قدر متیقن اخذ کرد.

بنابراین پس از آنکه از اصل استدلال دفاع کردیم و اشکالات و شبهات دفع شد در مقام دوم پرداختیم به دایره این دلیل و حجیت اطمینان.

# تقسیمات اطمینان

تا به حال سه محور را و تقسیم را مورد توجه قرار دادیم

۱- این بود که اطمینان، اطمینان عرفی متعارف است یا اطمینان غیرمتعارف است یعنی اطمینانی است که از طرق عادی و متعارف به دست آمده است یا اطمینان از راه غیرمتعارف و غیرعادی به دست آمده است؟

در اینجا گفتیم بعید نیست که دلیل بیش از اطمینان در مواردی که اطمینان از طریق قرائن و شواهد متعارف به دست آمده باشد افاده نکند و بنابراین نسبت به قرائن و شواهدی که از طریق غیرمتعارف به دست بیاید تردید داریم و شاید اطمینان آنجا حجت نباشد

۲- این بود که اطمینان نوعی و شخصی داریم و سؤال این بود که دلیل می‌تواند هر دو را در بربگیرد و به عبارت دقیق‌تر هر سه حالت اطمینان نوعی، یا شخصی یا جمع این دو تا را شامل بشود یا نه؟

در اینجا هم گفتیم بعید نیست اطمینان نوعی باشد یعنی اطمینان از طریق شواهدی به دست بیاید که وقتی به نوع می‌دهیم می‌پذیرند و آن‌ها هم به این اطمینان می‌رسند و صرف این که شخصی به دلایل شخصی اطمینان پیدا می‌کند یا زودباور است یا یک جایی گرایشی دارد که او را به اطمینان می‌رساند کافی نیست. این اطمینان‌هایی که بر آمده از امیال و اهواء و احوال خاصه است اعتبار ندارد. مثل اطمینان‌هایی که گاهی در امور کلامی و اعتقادی برای کسانی پیدا می‌شود که گرایش و تعلق خاطر دارند علاقه دارند و محبت دارند یک بافت سابقی در ذهن خود دارد یا از نظر روان‌شناختی یک نوع ناهنجاری دارد.

این اطمینان‌های شخصی که ناشی از ناهنجاری‌های روان‌شناختی است یا اطمینان‌های شخصی که ناشی از آن اهواء و امیال شخصی است این دو نوع از این دایره بیرون است

و شک در شمول آن سیره نسبت به این‌ها کافی است که اینها حجیت نداشته باشد. بخصوص آنجایی که ناشی از ناهنجاری باشد شخص یک مشکلی دارد.

۳- تقسیم سوم، اطمینان نوعی به اطمینان فعلی و شأنی تقسیم می‌شد الان نوع کسانی که مواجه با این خطاب می‌شوند یا در این شرایط قرار می‌گیرند این اطمینان را پیدا می‌کنند گاهی آن‌ها در معرض این نیستند ما فرض می‌گیریم اگر اینها در معرض بودند یقین پیدا می‌کنیم که این اطمینان را پیدا می‌کردند. این اطمینان شأنی می‌شود در اینجا بر خلاف قبلی گفتیم که بعید نیست که سیره هر دو را بگیرد چون ملاک این است که در این ظهوری است یا در این موضوع قرائنی وجود دارد که اگر مطلع بشوند برای آن‌ها هم اطمینان حاصل می‌شود به نظر این کافی است و اینجا بعید نیست که قائل بشویم به شمول دلیل نسبت به فعلی و شأنی.

گفتیم قیدی که زدیم این بود که باید شأنی باشد که یقین داشته باشد این علائم و شواهد الان اگر در دسترس آن‌ها قرار بگیرد به اطمینان می‌رسند از آن جهت است که در تقسیم یک و دو گفتیم شمول ادله نسبت به اطمینان حاصل از طرق غیرمتعارف تمام نیست.

و شمول دلیل نسبت به اطمینان شخصی صرف هم تمام نیست.

اما در تقسیم سوم گفتیم شمول دلیل نسبت به شأنی در صورتی که قطع داشته باشیم که این شواهد و علائم به عرف بدهیم آن‌ها هم مثل من به اطمینان می‌رسند. آن وقت آن اطمینان حجت می‌شود محدود این امر را قبول کردیم.

این سه مبحث و تقسیمی بود که موضع این دلیل نسبت به آن‌ها را معین کردیم.

سؤال: نجاشی یک مبنایی دارد که تا نجاشی گفت مثلاً ثقة ایشان اطمینان پیدا می‌کند به وثاقت آن الان دیگران چنین اطمینان نجاشی را ندارند

جواب: شأنی می‌شود باید طوری باشد که یقین داشته باشد این اطلاعات را به هر کسی بدهید به اینجا می‌رسد.

# ۴- درجات احتمال اطمینانی

قبلاً اشاره کردیم که اطمینان درجات متعددی دارد و چیزهای مختلفی در اینکه آن درجه به اطمینان برسد مؤثر است صرف درجه هم نیست چیزهای دیگر هم مؤثر است نوع موضوع و اهمیت موضوع هم مؤثر است در اینکه یک درجه اطمینان به شمار بیاید یا نیاید. به‌عنوان‌مثال می‌گفتیم ۹۶ یا ۹۷ درصد در یک موضوعاتی عرف آن را اطمینان حساب می‌کند، و در یک موضوعاتی آن را اطمینان حساب نمی‌کند بنابراین درجه به انضمام و ضمیمه آن اهمیت و احیاناً یک نکات دیگری هم ممکن است باشد تعیین‌کننده سرنوشت این است که اطمینان به شمار بیاید یا نیاید

الان سؤال این است آنجایی که اطمینان به شمار می‌آید و قلمداد می‌شود درجات متفاوت است و تشکیکی است و همه آن‌ها یک جا مشمول این دلیل حجیت ناشی از سیره عقلاییه است در اعتماد به اطمینان یا اینکه فرق می‌کند؟

در اینجا یک بحثی را که یکی دو بار جسته و گریخته به آن پرداخته و عبور کردیم توجه بشود خوب است و آن این است که یک درجه‌ای از اطمینان داریم که نسبت به احتمال مخالف گرچه موجود است اما مغفول است آن احتمال مخالف مغفول است آن احتمال مخالف آن‌قدر ضعیف است که کسی آن را نمی‌بیند عرف عام اصلاً این را قطع می‌داند و می‌گوید قطع دارم.

این یک درجه است که این قدر متیقن از سیره عقلاییه و اطمینان است قدر متیقن مواردی است که درجه احتمال چنان قوی است و نیرومند است که احتمال مخالف اصلاً منقدح نیست در ذهن نوعی که می‌خواهد اطمینان نوعی پیدا بکند و کسی هم به او توجه بدهد می‌گوید حرف بی‌ربط می‌زنید.

این قدر متیقن حجیت اطمینان است که ملحق به قطع می‌شود و خیلی به قطع نزدیک است

یک نوع هم مواردی است که احتمال مخالف منقدح در ذهن است یا به راحتی در اذهان منقدح می‌شود درعین‌حال اطمینان دارد و اعتماد می‌کند و می‌گذرد حجیت اطمینان از باب سیره عقلاییه به نظر می‌آید هر دو را می‌گیرد اینجا جایی نیست که بگوییم سیره فقط نوع اول را می‌گیرد که عبارت است از احتمال نیرومندی که نقطه مقابل آن اصلاً در ذهن نمی‌آید و منقدح نمی‌شود برای اینکه آن که مبنای زندگی بشر است این نیست یک اطمینان‌هایی هم که احتمال مخالف را می‌دهد ولی آن‌قدر این احتمال قوت دارد که احتمال مخالف علی‌رغم اینکه در ذهن انقداح پیدا می‌کند و مطرح می‌شود می‌گوید ارزش ندارد به آن نگاه بکنید

از این جهت است که در این تقسیم بر خلاف آن تقسیم یک و دو، و تا حدی شبیه تقسیم دو ما علی‌رغم اینکه دلیل ما لبی است می‌گوییم اطلاق دارد و هر دو را می‌گیرد یعنی سیره عقلاییه در اطمینان‌هایی که احتمال مخالف انقداح دارد جاری می‌شود شاید این شمول در آن تردیدی نباشد

# ۵- موضوعات مهم و غیر مهم

ضمن اینکه ما همه موضوعاتی را که در اطمینان در شرع مطرح می‌شود مهم می‌دانیم اما ممکن است کسی بگوید سیره عقلاییه اختصاص به مواردی دارد که از اهمیت بالایی برخوردار نیست یعنی اعتماد عقلا بر اطمینان در مواردی است که موضوع را چندان مهم نمی‌دانند و موضوع عادی و متعارف می‌دانند.

بنابراین در این محور پنجم که تقسیم می‌شود اطمینان به موضوعات عادی و موضوعات مهم ممکن است کسی بگوید سیره در موضوعات عادی و متعارف است و اما موضوعات مهم مشمول این سیره و سبک تعاملی عقلایی نیست.

اگر این بحث را دقت بکنید دامنه بحث وسیع‌تر می‌شود و آن اینکه عقلا ممکن است کل مباحث شرعی امور مهم است و لذا در شرع باید احتیاط کرد و نمی‌شود همین‌جور به اطمینان عمل کرد و ممکن است بگویند مسائل شرعی هم مثل بقیه مسائل همان‌طور است اما در مسائل شرعی اهم و مهم داریم یک موضوعات خیلی مهم است که در آنجا باید رعایت احتیاط کرد و صرف اطمینان نفی تکلیف نمی‌شود گفت تکلیف نیست.

اطمینان به تکلیف ممکن است ولی باید گفت در امور مهمه شرعیه احتیاط کرد این دو احتمال اینجا وجود دارد.

در این تقسیم پنجم که متعلقات اطمینان را به مهم و غیر مهم تقسیم می‌کنیم سه احتمال وجود دارد؛

۱- یکی اینکه در سیره عقلاییه یک نوع اطلاق وجود دارد و همه اینها مثل هم است

۲- اهم و مهم می‌کند و امور شرعی جزو مهماتی است که اطمینان در آن را معتبر نمی‌داند

۳- این است که امور شرعی مثل غیرشرعی مجرای اطمینان می‌داند اما در امور متعارف شرعی نه در امور خیلی مهم شرعی مثل دماء و نفوس، آنجا اطمینان را حجت نمی‌داند.

این سه احتمالی است که اینجا قابل طرح است و مستحضرید که ما اگر بخواهیم یک از این احتمال اطلاق را اینجا بگوییم باید قطع داشته باشیم و اینها فرق نمی‌کند چون اطمینان در مسئله دوری می‌شود و نمی‌شود مسئله را حل کرد و موضع‌گیری هم سخت است.

منت‌ها به نظر می‌آید آنچه بگوییم عقلا می‌گویند اطمینان فقط در امور غیرشرعی اعتبار دارد و در امور شرعی اصلاً از دایره حجیت اطمینان بیرون است این حتماً درست نیست برای اینکه همین مبنای عقلاییه در فضای شرع هم قطعاً عمل می‌شده است از زمان پیغمبر اکرم تا ادوار متأخر حضور معصومین مسلمانان قطعاً به اطمینان خودشان در بحث تکالیف و فهم و شناخت عمل می‌کردند و کسی بخواهد بگوید اطمینان در امور شرعی اصلاً سیره نیست یا عمل نمی‌شده است و عمل ردع را احراز نمی‌کند این به نظر می‌آید احتمال ضعیف در حد منتفی است که انسان قطع دارد که امور شرعی هم مثل سایر مسائل مشمول جریان اطمینان است.

از این جهت است که آن احتمال کنار می‌رود بله این احتمال اخیر را کسی بگوید که در یک امور خیلی مهمه شرعیه جایی که اطمینان بر خلاف احتیاط است آن را ممکن است بگوییم سیره عقلاییه در آن تمام نیست عدم ردع در آن تمام نیست و تردید داریم و باید قدر متیقن بگیریم.

این یک چیزی است که قابل دفاع است از این جهت که این ظهورات اطمینانیه‌ای که خیلی جاها ما می‌آوریم در روایات اگر به یک موضوعات خیلی مهم برسد ممکن است بگوییم ظهورات این‌جوری حجت نیست چیزی که می‌خواهد با یک اطمینان در یک مسائل خیلی مهم مثلاً می‌خواهد با یک روایت و ظهور آن قتل را درست بکند این ممکن است بگوییم اطمینان در اینجا پایش می‌لنگد. اینجای تأمل دارد.

بنابراین اینکه ما بگوییم اطمینان در شرع نیست آن قطعاً جریان دارد و ردع هم نشده است اما در امور شرعی یک دست همه موضوعات این شمول را ادعا بکنیم فی نفسه شیءٌ.

مبنای استدلال این بود که سیره عقلا هست و در این سیره همه را یکسان می‌بینند و شرع را هم مثل آن هست و شرع هم رد نکرده است اینجا یک احتمالی پیدا شد که اگر در پایه کار دقت بکنیم شاید عقلا بگویند این سیره در کارهای خودم انجام می‌دهم اما در کار شرع که یک کار حساس هست اعمال نمی‌کنم اگر این باشد سیره پایش می‌لنگد و پایه‌اش سست می‌شود و با عدم ردع نمی‌شود درست کرد این را جواب دادیم که هست که عقلا این را در همه تعاملاتشان جاری می‌کنند البته و با شرع در همه موارد در موارد مرتبط با شرع، منت‌ها در خود شرع ممکن است بگوییم یک جاهای خیلی مهم نیست این اختصاص به شرع ندارد عقلا ممکن است در امور عقلایی خود هم به جای حساس برسند ممکن است بگویند اینجا باید قطع پیدا بکنند.

از این جهت در این بحث پنجم یک جمله تهدیدی ممکن است نسبت به این حجیت باشد.

# ۶- اطراف علم اجمالی در اطمینان

اینکه اطمینان گاهی در اطراف علم اجمالی است و گاهی در اطراف علم اجمالی نیست

اطراف علم اجمالی را قبلاً مثال زدیم گفتیم می‌داند که قطره خونی یا مسکری در یکی از این صد ظرف افتاده است که دایره علم اجمالی یک دایره وسیعی است و جدا و تک‌تک اینها را بخواهد استفاده بکند احتمال وجود مسکر یا نجس را در یک ظرف یک درصد است یعنی ۹۹ درصد در آن نیست این اطمینان به شمار می‌آید می‌تواند استفاده بکند یا نه؟

در اینجا علم اجمالی وجود دارد و خیلی موارد هم هست که اطمینان تمام می‌شود در یک موضوعی و هیچ علم اجمالی مخالف آن در سطح بالایی نیست پس اطمینان در هر مورد گاهی همراه است با یک علم اجمالی بزرگی که مخالف این است و گاهی هم این‌جور نیست و علم اجمالی در کار نیست و احتمال می‌دهد که قطره خون یا مسکری باشد ولی علم نیست، و اینجا در یک ظرف مطمئن است که اینجا نیست آن احتمال بدون علم که می‌دهد مثلاً در صد ظرف و طبعاً در این یکی ۹۹ درصد می‌گوید نیست.

بنابراین اطمینان گاهی در دایره علم اجمالی است و گاهی خارج از اطراف علم اجمالی است صرفاً یک احتمال کلی است.

در این نوع دوم قطعاً اطمینان حجت است و بحثی در آن نیست اما در آنجایی که در دایره اطراف علم اجمالی قرار دارد چطور؟

در اینجا اگر علم اجمالی را حجت بدانیم که حتماً این اطمینان در آنجا اعتبار ندارد منت‌ها از باب اینکه تعارض دارد مثل اینکه می‌گوید علم اجمالی دارد که یکی از این دو ظرف نجس است هر دو سابقه طهارت دارد می‌گوید استصحاب طهارت در این و استصحاب طهارت در آن، هر دو بخواهد جاری بشود خلاف علم است احدهما غیر معین ترجیح بلا مرجح است بنابراین اعتبار ندارد.

استصحاب یا بینّه یا هر چیز دیگری در دو طرف علم اجمالی باشد هر دو با هم نمی‌تواند حجت باشد یکی مردد هم نمی‌تواند حجت باشد یکی معین هم ترجیح بلا مرجح است لذا می‌گوییم اینها اعتبار ندارد

بنابراین عدم اعتبار اطمینان در اینجا ممکن است گفته شود از باب قانون کلی است که در اطراف علم اجمالی آن ادله چه اصل عملی و چه اماره و چه اطمینان اگر در همه اطراف باشد نمی‌شود قائل به حجیت شد این یک جهت ثانوی است که مانع از حجیت اطمینان می‌شود نه جهت اولی. این یک وجه است

وجه دوم این است که کسی بالاتر بگوید که فرض کنیم این علم اجمالی شبهه غیر محصوره است و حجت نیست یا حجت هست ولی افزون بر آن اطمینان و فرض بگیریم اطمینان در یکی از اینها هست و تعارض هم ندارد باز ممکن است بگوییم اطمینان زیر سایه یک علم اجمالی است حجیت ندارد. اطمینانی که خلاف علم اجمالی است که بر این سایه افکنده است حجت نیست حتی اگر فرض بگیریم که اطمینان حجت نیست. این بعید نیست ممکن است بگوییم اطمینانی که بالا سرش یک علم اجمالی است حجت نیست حتی فراتر از آن قانونی که در اطراف علم اجمالی می‌گوییم از این جهت است که بعضی برایشان خیلی مهم است که اطمینان اگر حجت باشد چه کار می‌کنیم اینجا ولی بعید نیست که بگوییم این جور موارد از حجیت بیرون است.

عرف می‌گوید اطمینان اینجا حجت نیست سیره عقلاییه بر حجیت و منجزیت و معذیرت اطمینانی که در اطراف علم اجمالی است منعقد نیست.